



گزارش سازمان ملل افشاگری محو سیستماتیک هویت زنان توسط طالبان: حکم جدید طلاق و تعمیق آپارتاید جنسیتی

گزارش

مقدمه:

روز یکشنبه ۰۷ جون ۲۰۲۶، ابتکار برین برای توسعه و بیناری با عنوان «گزارش سازمان ملل افشاگر محو سیستماتیک هویت زنان توسط طالبان: حکم جدید طلاق و تعمیق آپارتاید جنسیتی» برگزار کرد. سخنرانان بررسی تحلیلی، حقوقی و استراتژیک فرمان جدید طالبان، تقویت صدای زنان افغان و ترغیب پاسخ هماهنگ بین‌المللی پرداختند. سخنرانان تاکید کردند که افغانستان تحت حاکمیت طالبان شاهد یکی از شدیدترین، آگاهانه‌ترین و شتاب‌دارترین عقب‌گردهای حقوق بشری در تاریخ معاصر است. صدور فرمان شماره ۱۸ طالبان تحت عنوان «اصول جدایی زوجین» در تاریخ ۱۴ می ۲۰۲۶، از سوی نهادهای بین‌المللی، بخش زنان سازمان ملل (UN Women) و یوناما (UNAMA) نه یک حکم ساده فقهی، بلکه گامی استراتژیک در جهت تحکیم و تعمیق آپارتاید جنسیتی توصیف شده است. این فرمان با هدف قرار دادن ساختار خانواده، بستر قانونی لازم را برای مشروعیت بخشیدن به کودک همسری و سلب استقلال قضایی زنان فراهم می‌سازد.

جزئیات برنامه:

این برنامه در قالب یک وبینار تخصصی توسط نهاد ابتکار برین برای توسعه برگزار شد و به بررسی ابعاد عمیق بحران افغانستان تحت حاکمیت طالبان پرداخته شد.

❖ **هدف اصلی:** بررسی تحلیلی، حقوقی و استراتژیک فرمان جدید طالبان، تقویت صدای زنان افغان و ترغیب پاسخ هماهنگ بین‌المللی.

سخنرانان برنامه:

❖ **دکتر نصیر احمد اندیشه:** سفیر و نماینده دائم افغانستان در ژنو.

❖ **زهرا کاظمی:** تحلیل‌گر سیاسی و رئیس شورای زنان جبهه مقاومت ملی افغانستان.

❖ **منیره یوسف زاده:** معاون اسبق وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی افغانستان.

❖ **وژمه توخی:** بنیان‌گذار بنیاد پوهنه و فعال آموزش و حقوق بشر.

تحلیل محتوایی اصلی سخنرانان

دیدگاه دکتر نصیر احمد اندیشه

❖ **تحلیل حقوقی و ساختاری حق زدایی و مهندسی معکوس جامعه:** این فرمان در امتداد اقدامات طالبان برای زدودن کامل سیستم قضایی «حقوق‌محور» و «شهروند محور» گذشته قرار دارد. زبان تقنین طالبان اساساً حق مدار نیست؛ شهروندان فاقد حق تلقی شده و صرفاً با «تکالیف و مکلفیت‌های» دیکته شده روبرو هستند.

❖ **فقدان مشروعیت فقهی معاصر:** این قوانین بر اساس فتاوی ۵ یا ۶ قرن گذشته و توسط افرادی با پایین‌ترین سطح دانش فقهی تدوین شده است. این رویکرد انقباضی حتی با فقه حنفی معاصر در کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، ترکیه، مصر و سوریه کاملاً در تضاد است.

❖ **بحران تقنین از بالا به پایین:** فرآیند قانون‌گذاری از یک پروسه مردمی، کارشناسی و پارلمانی در گذشته، به یک صلاحدید فردی و استبدادی تبدیل شده است.



ابعاد خطرناک فرمان شماره ۱۸ در حوزه حقوق طفل و اطفال

- ❖ معیار قرار دادن سن بلوغ به جای سن قانونی: طالبان بدون ذکر صریح سن قانونی (که در نظام گذشته ۱۶ سال برای دختران بود)، ملاک را سن بلوغ قرار داده اند. در شرایط فقر، محرومیت آموزشی و استرس‌های محیطی، سن بلوغ دختران کاهش یافته (بین ۹ تا ۱۱ سال) و این فرمان عملاً بستر قانونی کودک همسری را فراهم می‌کند.
- ❖ تفسیر سکوت به عنوان رضایت: در صورت عقد دختر در سنین کودکی، سکوت یا عدم مخالفت صریح او پس از بلوغ، به منزله رضایت فرض می‌شود. از منظر حقوق بین الملل و کنوانسیون های CEDAW و حقوق کودک، رضایت باید آزادانه، صریح و آگاهانه باشد؛ سکوت تحت جبر اجتماعی و ترس هرگز معنای رضایت ندارد.
- ❖ محدودیت های شدید در حق طلاق زنان: در حالی که به مردان حق طلاق یک طرفه اعطا شده، برای زنان الزامات سنگین اثباتی و فرآیندهای پیچیده در ساختار قضایی طالبان تحمیل شده است که فرار از خشونت خانگی را غیرممکن می‌سازد.

دیدگاه خانم زهرا کاظمی:

پیامدهای سیاسی، اجتماعی و قومی

- نظام ارباب و رعیتی و شیء انگاری زن: طالبان ملت را به مثابه رعیت خود می‌پندارند و سیاست های حذف نیمی از پیکر جامعه، زن را به یک «شیء» کنترل پذیر تقلیل داده است.
- گسترش تبعیض به حوزه های قومی و مذهبی: سیاست های حذفی طالبان پس از تحکیم محدودیت ها بر زنان، اکنون با رویکردهای تکفیری، زبان، فرهنگ و مذهب سایر شهروندان (به ویژه جامعه اهل تشیع افغانستان) را هدف قرار داده است.

دیدگاه خانم منیره یوسف زاده

ابعاد کنترل اجتماعی و بد نام سازی

- ❖ کنترل مطلق بر نهاد خانواده: طالبان پس از غصب ساختار حکومت، اکنون با تعیین باید ها و نبایدها به دنبال کنترل مطلق خانواده ها هستند تا با جامعه ای خاموش و مطیع روبرو شوند.
- ❖ پروژه بدنام سازی مردان افغانستان: این فرامین افکار عمومی جهان را به این سمت سوق می‌دهند که مردان افغان افرادی خشن و بی باور به قوانین مدرن هستند؛ در حالی که جامعه و مردان افغانستان در بیست سال گذشته پذیرای تغییرات مثبت و حامی حقوق زنان بوده اند.

دیدگاه خانم وژمه توخی:

استقلال در حق طلبی و نقد جامعه جهانی

- ❖ حقوق ذاتی به جای خیرات: آموزش، کار، آزادی و مشارکت سیاسی امتیازاتی نیستند که کسی به زنان ارزانی دارد، بلکه حقوق طبیعی، سلب ناپذیر و ذاتی آن هاست که نباید به عنوان خیرات مطالبه شود.
- ❖ انتقاد از مواضع بین المللی: بیانیه های بین المللی برای زنان افغانستان کلیشه ای و تکراری شده اند. قدرت های جهانی بر بنیاد منافع خود تصمیم می‌گیرند و هیچ قدرت خارجی راه حلی صرفاً به نفع افغان ها پیدا نخواهد کرد؛ قربانیان اصلی این بحران خود مردم هستند.

بررسی کلی این ویبنار:

- ❖ ضرورت دگرگونی ساختاری: نظام آپارتاید جنسیتی با اصلاحات سطحی و ظاهری از بین نمی‌رود و تا زمانی که ساختار انحصاری قدرت دگرگون نشود، تبعیض سیستماتیک ادامه خواهد داشت.



❖ **رد توجیه گری های فرهنگی:** هم سخنرانان داخلی و هم نهادهای بین المللی، تلاش برخی توجیه گران و لابی گران مقیم در کشورهای غربی را که درصدد تلطیف این فرامین تحت لوای «عننات و سنت های فرهنگی افغانستان» هستند، به شدت محکوم کرده و آن را رویکردی خطرناک دانستند.

❖ **تداوم سرکوب فیزیکی:** در حین برگزاری وبینار، گزارش های ناگواری از ولایت هرات مبنی بر بازداشت گسترده، لت و کوب و اعمال خشونت شدید علیه ۲۰ تا ۶۰ زن به دلیل عدم پذیرش پوشش مدنظر طالبان واصل شد که نشان دهنده پویایی مکرر این ماشین سرکوب فیزیکی است.

نتیجه گیری

بررسی های تحلیلی انجام شده در این وبینار به وضوح نشان می دهد که وضعیت جاری در افغانستان، فراتر از یک بحران حقوق بشری مقطعی یا انحراف سیستماتیک قابل اصلاح است؛ این وضعیت، مظهر یک **آپارتاید جنسیتی فراگیر و بازمهندسی شده** است که پویایی حیات اجتماعی و تفکر تمدنی کل یک ملت را هدف قرار داده است.

ارزیابی نهایی این رویداد را می توان در سه محور راهبردی زیر خلاصه و تبیین کرد:

❖ **کشاندن آپارتاید جنسیتی از فضای عمومی به حریم خصوصی خانواده**

فرمان شماره ۱۸ طالبان (اصول تفریق زوجین)، ابزار حقوقی جدید رژیم برای نهادینه سازی سرکوب در بنیادی ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده است. با جایگزینی سن بلوغ فیزیکی به جای سن قانونی نکاح و تفسیر «سکوت دختران» به عنوان رضایت صریح، دستگاه قضایی طالبان عملاً به بازوی مشروعیت بخش خشونت خانگی و کودک همسری تبدیل شده است. این وبینار هرگونه تلاش لابی گران بین المللی برای تقلیل این فاجعه حقوقی به «عننات بومی و سنت های فرهنگی افغانستان» را شدیداً مردود اعلام کرده و آن را شریک جرم ساختن جامعه جهانی در این آپارتاید می داند. دگرگونی ساختاری قدرت، تنها راه مهار این بحران است.

❖ **پیوند ماشین سرکوب فیزیکی با مهندسی معکوس نسل ها**

واقعیت های میدانی، از جمله بازداشت و لت و کوب گسترده و هم زمان ده ها زن در ولایت هرات به دلیل عدم پذیرش پوشش اجباری، نشان می دهد که تئوری های حذفی رژیم بلافاصله در جغرافیا عملیاتی میشوند.

رژیم یک برنامه خطرناک دو مرحله ای را پیش می برد؛ **در مرحله اول**، با حذف فیزیکی معلمان، پزشکان، خبرنگاران و دیپلماتان زن، در حال پاک کردن هویت زن افغان از حافظه جمعی جامعه است. **در مرحله دوم**، از طریق صدها مدرسه جهادی تندرو، ذهنیت نسل های آینده را مهندسی معکوس می کند. چشم انداز ده سال آینده افغانستان نشان می دهد که این کشور در صورت عدم مهار رژیم، از یک بحران داخلی به بستر اصلی تربیت و صدور نیروهای افراطی برای کل منطقه تبدیل خواهد شد.

❖ **بن بست دیپلماسی کلیشه ای و لزوم استراتژی تعرضی**

بیانیه های کلیشه ای و بی اثر سازمان ملل متحد در کنار معامله گری های عیان کشورهای منطقه و جهان (نظیر تعاملات اقتصادی هند و پاکستان یا معاملات اخیر آلمان برای اخراج پناهجویان)، نشان دهنده ترجیح منافع ملی دولتها بر ارزش های بنیادین حقوق بشر است.

هرچند استراتژی حفظ کرسی رسمی افغانستان در سازمان ملل و گزارش دهی حقوقی (مکانیزم **Goal-keeping** یا دفاع در خط دروازه) در پنج سال گذشته حیاتی بوده، اما دیگر بسنده نیست. راهکار اصیل و بدیل، انتقال مرکز ثقل مبارزه از خارج (دیاسپورا) به داخل جغرافیا از طریق ایجاد شبکه های نفوذ محلی است. امروزه به دلیل فروپاشی ساختار اقتصادی و بن بست های اجتماعی، دیوار ارباب طالبان در حال شکستن است و جامعه به نقطه «به تنگ آمدن جامعه» رسیده است؛ لذا، تقویت پویایی های داخلی و لایه های مقاومت درونی، کلید اصلی تغییرات ساختاری در آینده خواهد بود.